

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امارت

(بخش اول)

(ترجمه)

امام مسلم در صحیح خود آورده است:

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ، مَعَ غُلَامِي نَافِعٍ: أَنْ أَخْبِرَنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيَّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ جُمُعَةٍ، عَشِيَّةَ رُجْمِ الْأَسْلَمِيِّ، يَقُولُ: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «عُصْبِيَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَفْتَتِحُونَ الْبَيْتَ الْأَبْيَضَ، بَيْتَ كِسْرَى، أَوْ آلِ كِسْرَى». وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ كَذَابِينَ فَاَحْذَرُوهُمْ». وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «إِذَا أَعْطَى اللَّهُ أَحَدَكُمْ خَيْرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ». وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «أَنَا الْفَرَطُ عَلَى الْحَوْضِ» (مسلم):

(1822)

ترجمه: عامر بن سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می گوید: نامه ای با خدمتگزارم نافع نزد جابر بن سمره فرستادم و در آن نوشتم که بخشی از آنچه را که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام، برایم بیان کن. او در جوابم نوشت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم روز جمعه، بعد از ظهر همان روزی که مرد اسلمی (ماعز) سنگسار گردید، می فرمود: «تا قیام قیامت یا زمانی که دوازده خلیفه بر شما حکومت کنند که همگی از قریش اند، دین باقی خواهد ماند.» و هم چنین شنیدم که می فرمود: «گروه اندکی از مسلمانان کاخ سفید پادشاه ایران یا خاندانش را فتح خواهند نمود.» هم چنین شنیدم که می فرمود: «قبل از فرارسیدن قیامت، کذابانی خواهند آمد؛ پس از آنان، برحذر باشید.» هم چنین شنیدم که می فرمود: «هرگاه، الله متعال به یکی از شما، خیری عنایت فرمود، نخست، خودش و خانواده اش از آن، بهره مند شوند.» و هم چنین می فرمود: «من پیش قدم هستم و جلوتر از دیگران به حوض کوثر می رسم.» (و آب را آماده می کنم).

این سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم (عُصْبِيَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَفْتَتِحُونَ الْبَيْتَ الْأَبْيَضَ، بَيْتَ كِسْرَى، أَوْ آلِ كِسْرَى) یکی از معجزات آشکار رسول الله صلی الله علیه وسلم است و -الحمد لله- مسلمانان در زمان خلافت عمر بن خطاب رضی الله عنه آنجا را فتح نمودند. (العُصْبِيَّة) اسم تصغیر (عصبة)، یعنی جماعت و کسری به کسر و فتح کاف خوانده می شود.

این سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم (إِذَا أَعْطَى اللَّهُ أَحَدَكُمْ خَيْرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ) مانند این حدیث است (إِبْدَأْ بِنَفْسِكَ ثُمَّ مِمَّنْ تَعُول) یعنی: اول از خود آغاز کن، سپس از خانواده ات. جمله (أَنَا الْفَرَطُ عَلَى الْحَوْضِ): (الفرط) به فتح (راء) یعنی در آن از دیگران پیش قدم هستم و انتظار می کشم که شما را از آب کوثر بنوشانم. (فَرَطٌ وَ فَارَطٌ) کسی است که پیش از قومش خود را به آب می رساند تا آب مورد نیازشان را فراهم کند.

جمله (الدین قائما... أو یکون علیکم) تعدادی از اهل علم گفته‌اند: (قائما) یعنی مداوم و مستمر، می‌گویند (أقام شیء) یعنی آن را ادامه داد. این کلام پروردگار «یقیمون الصلاة» و «إلا ما دمت علیه قائما» همین معنی را شامل می‌شود. بنابراین تقدیر آن چنین است: دین اسلام هم‌چنان ادامه خواهد داشت تا قیامت برپا شود.

جمله: (أو یکون علیکم)... (أو) در اینجا برای عطف به معنای (و) است، پس اینطور تقدیر می‌شود: (و یکون علیکم اثنا عشر) آنان را به صورت خاص یاد کردند تا عزت، قدرت و عدم حصول ضرر در زمان‌شان محقق شود... علما در تفسیر و توجیه این حدیث گرایش‌های مختلفی دارند:

گفته‌اند: منظور از آن خلفای عادل است که برخی از آن‌ها در امت بوده‌اند و تعدادشان تا برپا شدن قیامت تکمیل خواهد شد.

امام نووی رحمه الله به نقل از قاضی عیاض می‌گوید: ممکن است منظور از این دوازده خلیفه، خلفای عادل باشند که مستحق خلافت هستند، چنانچه برخی از آن‌ها گذشته‌اند و این تعداد باید پیش از برپایی قیامت تکمیل شود.

نووی رحمه الله به نقل از قاضی عیاض گفته است: احتمال دارد منظور حدیث آن کسی باشد که در زمان خود، اسلام را شکوه داده و تمام مسلمانان وی را بپذیرند، چنانچه در سنن ابی‌داود آمده است: (کلهم تجتمع علیه الأمة) یعنی: «امت بر هرکدام از آن‌ها اجماع داشته باشد».

سیوطی نقل کرده است که منظور از آن: وجود دوازده خلیفه در تمام دوران اسلام تا قیامت است که حق را اعمال می‌کنند، حتی اگر پی‌درپی نباشند.

در فتح الباری آمده: چهار خلیفه راشد از این دوازده خلیفه گذشته‌اند و تعدادشان باید پیش از برپایی قیامت تکمیل شود.

ابن کثیر گفته است: این حدیث وجود دوازده خلیفه صالح که حق را حاکم کرده، در میان امت عدالت می‌کنند، بشارت داده است، پی‌در پی بودن و توالی روزگارشان الزامی نیست؛ بلکه چهار نفر از آن‌ها به یک ترتیب گذشته‌اند که عبارت از خلفای اربعه، ابوبکر، عمر، عثمان و علی می‌باشند. هم‌چنین عمر بن عبدالعزیز و تعدادی از خلفای عباسی بدون تردید در نزد علما از جمله این خلفا هستند و قیامت برپا نمی‌شود تا این دوازده نفر بر زمین خلافت نکنند و واضح و روشن است که مهدی موعود که در احادیث درباره‌اش بشارت داده شده، نیز یکی از آنان است.

ای امت خیر، ای فرزندان خلافت!

چقدر می‌بینیم که در یک حدیث لفظ «خلیفه» وارد شده و به کسی دلالت می‌کند که قدرت و زعامت عموم را به عهده دارد، و این که در حدیث شریف قائم بودن دین را بیان می‌کند، نشان دهنده تمکین، سیادت، نفوذ و غلبه دین بر موافقین و خلافین است. بنابراین حیلۀ فریب‌کاران و طعنه‌زنان به آن زبانی نمی‌رساند... اسلام دین، منهج و مرجعیت حکام و رعیت دولت حاکم است.

حدیث شریف به این خلفا تنها بخاطر این که اسلام در زمان‌شان شکوهمند بوده، مزیت و برتری نمی‌دهد؛ طوری که منظور از آن دوره زمانی باشد؛ صرف نظر از این که حکام و سران دولت چه شخصیت‌هایی دارند؛ بلکه یک پیام غیبی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده.

دین در آن دوره زمانی حاکم می ماند و بر کسانی که به هدف از بین بردن اسلام به عنوان یک دین تمدن و دولت یا جلوگیری از گرایش مردم به آن کار کنند یا تلاش نمایند مردم را علیه آن بشورانند یا در احکام و آموزه های اسلام شبهه افگنی کنند و به آن ضربه بزنند، ظاهر و غالب می ماند.

از مظاهر غلبه، ظهور و عزت دولت این است که مخالفین آن اعم از دشمنان خارجی و داخلی هر قدر برای نابودی آن تلاش کنند، بر اسلام به عنوان یک دین هیچ زیانی وارد نشود و این مخالفین خواه از مشرک های اهل کتاب باشند یا دشمنانی که از جانب نظام های کفری مانند آمریکا یا انگلیس و امثال آنان به کار گرفته می شوند، به هیچ شکلی از اشکال نتوانند آسیبی به آن برسانند، بر مصداق سخن پروردگار:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ [انفال: 36]

ترجمه: کافران اموال خود را خرج می کنند تا (مردمان را) از راه الله (و ایمان به الله) بازدارند. آنان اموال خود را خرج خواهند کرد، اما بعداً مایه حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بی گمان کافران همگی به سوی دوزخ رانده می شوند و در آن گرد آورده می شوند.

همانطور که جدایی طلبان و کسانی که کم یا زیاد از دولت انحراف کرده اند، اعم از پیروان واقعی و منافقین نتوانند به آن آسیبی برسانند.

دولت اسلام در زمان منصور بعد از اینکه ابومسلم خراسانی را نابود کرد نیرومند ماند و در دوره هارون الرشید قدرت مند بود؛ در حالی که برخی مخالفان قدرتمند شدند، نفوذ در سرزمین های فتح شده را آغاز کردند و در دستگاه های دولت اسلامی رخنه نموده، نزدیک بود قدرت را به صورت کامل در دست بگیرند، چنانچه برمک ها پیش از این که حرکت شان توسط خود هارون الرشید سرکوب شود، چنین کردند.

با این وجود، می بینیم که آنچه رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داده است، در دوره دوازده خلیفه تحقق یافته است. بنابراین اسلام در آن زمان شکوهمند بوده، همه چیز غیر از اسلام در خواری و ذلت به سر می برد. دین اسلام پیش از برپایی قیامت دوباره حاکم خواهد شد و ظهور مطلق که با این حاکمیت همراه است، محدود به آن برهه زمانی می باشد که این دوازده خلیفه در آن قدرت را در دست دارند.

قابل ذکر است که موضوع مهم تعداد خلفاء نیست. برای روشن شدن موضوع، مسلم حدیثی از عمار رضی الله عنه روایت کرده است که «فِي أُمَّتِي اثْنَا عَشَرَ مُنَافِقًا لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ؛ در امتم دوازده منافق وجود دارد که وارد بهشت نمی شوند.» حال سوالی مطرح می شود که آیا منافقین در این امت تنها دوازده نفر هستند یا تعدادشان بیشتر است؟ در جواب به آن گفته می شود که تعداد منافقین از دوازده نفر بیشتر است. هم چنین گفته می شود: تعداد خلفاء از دوازده بیشتر است؛ اما بخاطر شکوفایی عزت و شکوه در دوره این دوازده خلیفه، از آنان به صورت خاص یادآوری شده است، در غیر این صورت می توانیم بیش از دوازده خلیفه را نام ببریم که اسلام در دوره حکومت شان غالب و شکوهمند بوده است. به عنوان مثال برای برتری خلفای عثمانی نسبت به خلفای پیشین مسلمانان، همین کافی است که اروپا را فتح کردند.

مسلمانان، حکام و علما همه در یک میدان قرار دارند و از عقیده اسلام دفاع می کنند، امرای شان صالح هستند، اسلام را تطبیق می کنند و با دعوت و جهاد آن را به تمام جهان می رسانند. علما و فقهای شان اسلام را به مردم یاد می دهند و در میان شان صحبت می کنند و حکام را نصیحت و محاسبه می نمایند و از سرزنش هیچ سرزنش گری بیم ندارند. مسلمانان از حاکمیت اسلام بهره می برند. امت اسلام، امت وسط و صدر نشین تمام امتیان است و بر تمام جهان گواه می باشد؛ همانطور که الله سبحانه و تعالی آن را توصیف نموده و در این جایگاه قرار داده است:

﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾ [بقره: 143]

ترجمه: بی گمان شما را ملت وسطی کرده ایم تا شاهدانی بر مردم باشید و پیامبر بر شما شاهد باشد.

تمام فرزندان مسلمانان - که علما بخشی از آنان می باشد- باید بدانند که دعوت فردی شان کافی نیست و باید در یک گروه کار کنند؛ گروهی که برای بیداری امت اسلامی فعالیت و آن را برای تغییر همه جانبه رهبری می کند؛ گروهی که برای اعزاز دین تلاش می کنند تا همانطور که در دولت خلافت اول بود، دین امت در دولتش حاکم باشد تا الله سبحانه و تعالی اذن نصرت را بدهد و مسلمانان به رویکرد اول خود بازگردند؛ بهترین امتی که برای مردم بیرون شده تا به اذن الله سبحانه و تعالی اسلام را عزت دهد! الله متعال می فرماید:

﴿ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴾ [یوسف: 108]

ترجمه: بگو این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بینش به سوی الله فرا می خوانم و پیروان من هم (چنین می باشند) و الله را منزله می دانم و من از زمره مشرکان نمی باشم.

مترجم: طه خالد